

روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
چهارشنبه ۹ اسفند ۱۴۰۲ _ ۱۸ شعبان ۱۴۴۵ _ ۲۸ فوریه ۲۰۲۴ - شماره ۲۳۷۳ - سال هشتم
۸ صفحه - قیمت ۱۰۰۰۰ تومان - ضریب کیفی ۶۷۴
hamdelidaily.ir | gmail.com/hamdellidaily News | t.me/Hamdellidaily

صاحب امتیاز، مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان سردبیر: جلال خوش چهره
چاپ: صمیم ۰۲۱-۴۴۵۳۳۷۲۵ - توزیع: نشر گستر امروز ۰۲۱۶۹۳۳۰۰۰
تهران، خیابان مطهری- نرسیده به تقاطع سهروردی- خیابان سنندج
خیابان زاهدان- پلاک ۸- واحد ۲- تلفکس: ۰۲۱۸۸۳۹۴۵۱ - ۰۲۱۸۸۴۸۴۳۰

طایفه‌ها

فکرهای فراوان برای حقوق بازنشستگان

عبیدزاکانی:
حکایت آزادی غلام
یکی از بزرگان عصر با غلام خود گفت که از مال خود پاره ای گوشت بستان و زیره بایی (آش زیره) معطر بساز تا بخورم و تو را آزاد کنم. غلام شاد شد زیره بایی بساخت و پیش آورد. خواجه اش آش بخورد و گوشت به غلام سپرد. روز دیگر گفت بدان گوشت نخود آبی مزعفر (آب نخود) باطعم زعفران) بساز تا بخورم و تو را آزاد کنم. غلام فرمان برد و نخود آب ترتیب کرد و پیش آورد. خواجه اش آش بخورد و گوشت به غلام سپرد. روز دیگر گوشت مضمحل شده بود، اما بازگفت این گوشت بفروش و پاره ای روغن بستان و از آن طعمی بساز تا بخورم و تو را آزاد کنم. غلام گفت ای خواجه بگذار تا من همچنان غلام تو باشم و اگر خبری از سر این تیکه گوشت بیچاره آید، منم رضای خدا دست نمی‌شود. خلاصه تا این لایحه بیاد به سرانجامی برسد رئیس جمهور و دولت عوض نشده. روز از نو روزی از نو، باز این لایحه متناسب سازی حقوق بازنشستگان عزیز از نو به چرخش و پیچش میافتد. از بس بین مجلس و شورای نگهبان دولت و دولت چرخیده و چرخیده برگه هاش آش ولاش یا بقولی مضمحل شده. عین این حکایت



جهانگیر ایزدپناه

فعال اجتماعی

کتاب

به همت انتشارات امرتات؛

«سایه» به بازار کتاب آمد

گلستان- کتاب «سایه» مجموعه آثار شاعران کودک و نوجوان دهه هفتادای کلامای به کوشش زینب سنچولی توسط انتشارات امرتات روانه بازار نشر شد. کتاب «سایه» شامل مجموعه آثار شاعران کودک و نوجوان دهه هشتاد کلامای به کوشش زینب سنچولی، در ۸۶ صفحه و به شمارگان هزار نسخه و قطع رقعی توسط انتشارات امرتات بر روی پیشخوان کتاب‌فروشی‌ها قرار گرفت. تصویرگری این کتاب را که به زنده یاد هوشنگ گلابی (ه.الف. سایه) تقدیم شده است، آمنه سلسداتی و ویراستاری آن را ندا جلالی و سمیه روثفی بر عهده داشته‌اند و فریبا جیرانی روشن، نیز ناظر هنری این مجموعه است. زینب سنچولی که مسئولیت انجمن ادبی «تنفس صبح» و مسئولیت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شهرستان کلاله را نیز بر عهده دارد، در ابتدای کتاب عنوان کرده است: کتاب «سایه» شامل ۷۰ شعر سپید، ۲۰ تئوچون عضو انجمن ادبی «تنفس صبح» کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان است. شاعران این مجموعه متولدین بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ است که دوره‌های نوشتن خلاق را در کانون گذرانده‌اند و هم‌اکنون کارگاه‌های ادبیات کهن را پشت سر می‌گذارند و سپید می‌نویسند. ۱۱ عضو سپر و ۱۹ عضو دختر با تمام دغدغه‌های دوران نوجوانی نویسا شده‌اند تا جهان را از زنجیرهای زبیا و درجچه‌ای نو به همسالان خود نشان دهند. در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شهرستان کلاله، کارگاه‌های شعرخوانی و شاعرانه هر هفته با حضور



کودکان و نوجوانان برگزار می‌شود و اعضای که بر خواندن متون کهن تا حدودی مسلط می‌شوند وارد کارگاه‌های شعر نویسی شده و ذوق و فریحه‌ای آن‌ها پرورش می‌یابد. در همین راستا در بهار ۱۴۰۱ مصمم شدیم کارگاه‌های فشرده شعر نویسی برگزار کنیم و ایده تألیف کتاب شعر اعضا و کارگاه‌های روزانه شعر نویسی که از ۲۵ فروردین سال جاری آغاز شد، با انتشار این مجموعه اجرا شد. مجموعه پیش رو چهارمین اثر اعضا انجمن ادبی تنفس صبح است که چاپ می‌شود و تفالوت این مجموعه با کتاب‌های پیشین در این است که همه شاعران مجموعه دهه هفتادی بوده و موضوع اشعار آن‌ها آزاد است.

طایفه تاریخی

مرگ احمدشاه قاجار، پادشاه دور از وطن



سردار سپه را صادر نمود و چند روز بعد، عازم اروپا گردید، سفری که دیگر بازگشت نداشت. غیبت طولانی احمدشاه، زمینه را برای هرگونه فعالیت رضاخان به دست او داد و رضاخان پس از شکست طرح جمهوری، خواستار براندازی و انقراض قاجار شد که در نهایت به آن کار موفق شد. پس از آن، تلاش احمد شاه برای باز پس‌گیری قدرت به جایی نرسید و سرانجام در نهم اسفند ۱۳۰۸ ش در ۳۴سالگی درگذشت و در عنایت عالیت به خاک سپرده شد. احمدشاه بر خلاف پدرش، فردی گوشه‌گیر و منزوی بود و علاقه‌ای به سلطنت و قدرت نداشت. احمد شاه در حالی به سفرهای متعدد و طولانی اروپا می‌رفت که مردم ایران دوران قحطی و فقر هولناکی را طی می‌کردند و بیش از هر زمان به امنیت و رفاه نیازمند بودند. ولی او بدون توجه به این مسائل، بارها به بهانه معالجه و درواقع برای خوشگذرانی به اروپا سفر کرد.

ماهنامه وارثان محصل

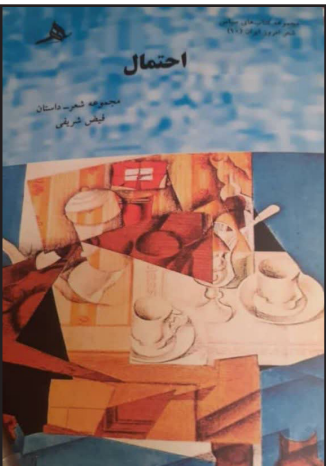
خوانشی بر مجموعه شعر «احتمال» سروده فیض شریفی

چند درصد احتمال دارد ما زنده باشیم؟

حیب پیام

منتقد و شاعر

مشکل داشته‌ام! امکان لغزندگی جاده، سرعت بالا و... با این مقدمه کوتاه به سراغ خوانش مجموعه شعر احتمال می‌رویم و قسمتی از اولین شعر مجموعه را با هم می‌خوانیم: آری! احتمال همه چیز وجود دارد/ احتمال پارک کنار پهلوی تو احتمال لیز خوردن روسری شش‌پایی «ی عشق همه بهانه از توست»/ احتمال برداشتن قاب عکس های توری دریچه وجود دارد؟ پرسش‌های از این دست در حوزه فلسفه احتمال قرار می‌گیرند یعنی اگر چه احتمال ریشه در علم ریاضیات دارد اما در دغدغه‌های اصلی فیلسوفان هم بوده و هست. احتمال، مقابل حتمیت و قطعیت است؛ اینکه امری احتمالی است، بدین معناست که امکان آن، قطعی نیست. احتمال که گاهی نشان نیز گفته می‌شود در فرهنگ شفاهی جهان همواره رواج داشته و نمی‌توان ریشه تاریخی آنرا به درستی مشخص کرد. نکته مهم درباره احتمال اما، به آغاز نظریه‌پردازی علمی درباره آن و راه یافتن این مفهوم به ریاضیات و فلسفه بازمی‌گردد. برخی پژوهشگران، باسکال را نخستین پیشگام در روند علمی‌سازی نظریه احتمال میدانند؛ البته او در این باره کتاب مستقلی ننوشت، اما در دست‌نوشته‌هایش اشاره‌هایی به این مفهوم شده است. بعدها مفهوم احتمال از سوی ریاضیدانان و بعضی فیلسوفان بی گرفته شد و امروزه در بسیاری از علوم مانند ریاضیات، فلسفه، فیزیک، اقتصاد ویزان آن استفاده میشود. علت رویکرد علوم به احتمال، عدم دستیابشان به آگاهی قطعی و یقینی بوده است؛ یعنی، ناممید شدن علوم از رسیدن به قطعیت، عامل اقبال به احتمال بوده و هست. همانطور که گفته شد، نظریه احتمال را از دو جنبه می‌توان بررسی کرد: جنبه ریاضی و جنبه فلسفی. احتمال از جنبه ریاضی، مطالعه رویاندهای احتمالی به لحاظ کتی است؛ به عبارت دیگر، نظریه احتمال شاخه‌ای از علم ریاضیات است که به تحلیل وقایع تصادفی می‌پردازد. ولی فلسفه احتمال، علمی است که موضوعات اصلی آن عبارتند از: اصول و مبانی احتمال، ماهیت احتمال، شیوه‌ها و ابزارهای احتمال و ارزیابی ساختارهای ریاضی و شناختی احتمال. فلاسفه از آن روی به احتمال نظر دارند که با مفاهیمی مانند علیت، موجبیت و تصادف ارتباط دارد. برای فلاسفه علم نیز تبیین احتمال بدین دلیل اهمیت دارد که ابداً روش های علمی به خصوص شیوه تأیید و تقویت و یا تضعیف گزاره های علمی توسط مشاهدات تجربی با دراشت شخصی، مستلزم تبیین مناسب مفهوم احتمال است. در فلسفه و ادبیات سروکار ما با احتمال‌های فیزیکی و منطقی نیست؛ بلکه با احتمال ذهنی که به احتمال روانشناسی هم مشهور است و روبرو هستیم. زیرا احتمال ذهنی به تمایلی و گرایش‌های فردی مرتبط است؛ یعنی هر فرد دلایل را احتمال می‌داند که خود بدان گرایش روانی و ذهنی دارد. به عنوان مثال، اگر هوشناسی اعلام کند که احتمال بارش در دو روز آینده پنجاه پنجاه است کسی که کشاورز است به احتمال بارش بیشتر باور دارد تا کسی که ساختمان نیمه ساخته‌ای دارد و ممکن است بارش کار او را متوقف کند. بنابراین توجه داشت که باور به احتمال همیشه بدین معنی نیست که نظام هستی بر تصادف و بی‌نظمی مطلق استوار است؛ چرا که در آن صورت ما هرگز نمی‌توانستیم آینده را حدس بزنیم یا احتمال امکان یک احتمال را بیشتر از یک احتمال دیگر بدانیم. اما چرا احتمال؟ زیرا اگر بخواهیم جهان را با قطعیت و رویکرد تعیین‌گرایانه بشناسیم در زنجیرهای از علت‌های پایان‌ناپذیر گرفتار می‌شویم که همچون کلاف سردرگمی ما را احاطه خواهند کرد. پس تعیین‌گرایی برای تبیین وقایع و رخدادها کارساز نیست و در عمل شکست خورده است. فرض کنید در بی‌عری یک خودروی سواری از چراغ قرمز، تصادفی به وجود آمده و راننده خودرو و دو نفر سرنشینان دیگر آن فوت کرده‌اند. برای ساخت نمونه ساده این حادثه نمی‌توانیم تعیین‌گراییه برخورد کنیم و بگوییم تقدیر این بوده، بلکه می‌توانیم دو احتمال زیر را در نظر بگیریم (الف) چراغ قرمز خراب بوده است (ب) راننده خودروی سواری چراغ قرمز را ندیده است. اما بلافاصله بعد از این دو احتمال کلی، ده‌ها احتمال و گزارش‌هایی با احتمال ذاتی پیش کشیده می‌شود؛ آیا راننده خواب آلود بوده؟ آیا ترمز خودرو



هرکجای جهان سسر می‌زنم! سسر از خانه تو درمی‌آورم؟ چقدر احتمال دارد که کلمات یک متن از سفاخانه‌های تهران آب بنوشند و تشنه تر شوند؟ چند درصد احتمال دارد که کلمات یک متن هر کجای جهان که بروند از خانه معشوق سردیباروندند؟ در اپیزودهای سوم، چهارم و پنجم هم با احتمال‌های متنوع و چند لایه روبرو هستیم؛ مثلاً در اپیزود پنجم، متن می‌پرسد: چرا هرچه است؟ کیستی تو که این همه میان حنجره‌ام گام می‌زنی... شما چند درصد احتمال می‌دهید که منظور متن از توپ توپ پلاستیکی دوران کودکی بوده و چند درصد باور دارید که منظور توپ جنگی است؟ چقدر احتمال می‌دهید شاعر کسی را که میان حنجره معریش گام می‌زند نمی‌شناسد که گزاره را به صورت پرسشی مطرح ساخته است؟ باز چقدر احتمال می‌دهید که شاعر نناند که چرا شوت‌هایش به تیر می‌خورد؟ یا چند درصد احتمال دارد که منظور شاعر از تیر همان گلوله باشد؟ و تازه چقدر احتمال می‌دهید که برای من خوانشگر مهم باشد که شاعر یا همان کسی که دچار مرگ مؤلف شده منظورش از طرح این سئوال‌ات چه بوده است؟ و مهمتر اینکه چقدر احتمال دارد شما الان با خوانش من از این اپیزود بر سر مهر باشید و آن را بپذیرید؟ به احتمال زیاد، فیض شریفی در مجموعه شعر احتمال از وضعیت استراگالوسی وجودی سخن می‌گوید؛ یعنی احتمال شناخت، احتمالی است یا شناختن احتمالی همان احتمال شناخت است. در این نوع نگاه، هر رخداد برابر است با تعداد حالت‌های مطلوب تقسیم بر حالات ممکن. این مجموعه تأکیدی سنت بر این نکته که تنها قاعده ریاضی حاکم بر جهان متن قاعده احتمال است؛ بنابراین، متن، کشف‌قولی است که احتمال و عدم قطعیت، در بطور قطعی پوششی می‌دهد. نویسم مهم‌تر: چند درصد احتمال می‌دهید که این شعر با نگاهی عاشقانه به تفسیر هستی‌مدن پراخته باشد؟ و احتمالات دیگری که اکنون ممکن است در ذهن شما شکل گرفته باشد؛ و این ادامه اپیزود اول وقتی که بعد از سی‌و‌اندی سال امرا در ازدحام زوزه خیابان‌ها دیدار رسیداتو سعید نیستی او من شاید پرسیده بودم! تو را سالیان پیش یا آن نگاه کنجکاو معصوم! در دانشکده برانداز کرده‌ام! البته که تو برانداز! هیچ وقت نماندی! نشناختمش و رفت یک لحظه خاطره مرا می‌زد! دویدم! در ازدحام آن همه صورت گم شد! می‌خواستم به او بگویم! پس تو چرا این همه پیرا چرا این همه تخمیر گشته‌ای؟ با خوانش بندهای پایانی اپیزود اول، احتمالات تازه در روند داستان مطرح می‌شود. احتمال هشتم: چند درصد ممکن است مردی، زنی را بعد از سی و اندی سال در خیابان ببیند و او را به خاطر بیابورد؟ احتمال نهم: چند درصد از خاطره‌های بلندمدت آدم‌ها در این جور مواقع می‌توانند خاطره کسی را دوباره در انسان زنده کنند و باعث شوند که او را ولو با تأخیر به یاد بیابورد؟ احتمال دهم: چند درصد احتمال دارد وقتی زنی را در خیابان تعقیب می‌کنیم او را از بالای جمعیت گم کنیم؟ احتمال یازدهم: واز همه مهمتر چقدر «برانداز» بودن یا نبودن کسی می‌تواند در فراموشی یا به یادآورده شدنش توسط جامعه مؤثر باشد؟ در اپیزود دوم باز هم متن سئوالاتی طرح می‌کند که هم تأمل برانگیز است هم احتمال برانگیز: چرا سفاخانه‌های تهران مرا سسر نمی‌کنند؟ چرا هرچه آب بر چهره می‌زنم! خنک نمی‌شوم؟! انگار در من مین‌های خنثی نشده کاشته‌اند! اینجا کجاست؟ که؟ سسویی ندارد دست‌های تو! چرا

مشکل داشته‌ام! امکان لغزندگی جاده، سرعت بالا و... با این مقدمه کوتاه به سراغ خوانش مجموعه شعر احتمال می‌رویم و قسمتی از اولین شعر مجموعه را با هم می‌خوانیم: آری! احتمال همه چیز وجود دارد/ احتمال پارک کنار پهلوی تو احتمال لیز خوردن روسری شش‌پایی «ی عشق همه بهانه از توست»/ احتمال برداشتن قاب عکس های توری دریچه وجود دارد؟ پرسش‌های از این دست در حوزه فلسفه احتمال قرار می‌گیرند یعنی اگر چه احتمال ریشه در علم ریاضیات دارد اما در دغدغه‌های اصلی فیلسوفان هم بوده و هست. احتمال، مقابل حتمیت و قطعیت است؛ اینکه امری احتمالی است، بدین معناست که امکان آن، قطعی نیست. احتمال که گاهی نشان نیز گفته می‌شود در فرهنگ شفاهی جهان همواره رواج داشته و نمی‌توان ریشه تاریخی آنرا به درستی مشخص کرد. نکته مهم درباره احتمال اما، به آغاز نظریه‌پردازی علمی درباره آن و راه یافتن این مفهوم به ریاضیات و فلسفه بازمی‌گردد. برخی پژوهشگران، باسکال را نخستین پیشگام در روند علمی‌سازی نظریه احتمال میدانند؛ البته او در این باره کتاب مستقلی ننوشت، اما در دست‌نوشته‌هایش اشاره‌هایی به این مفهوم شده است. بعدها مفهوم احتمال از سوی ریاضیدانان و بعضی فیلسوفان بی گرفته شد و امروزه در بسیاری از علوم مانند ریاضیات، فلسفه، فیزیک، اقتصاد ویزان آن استفاده میشود. علت رویکرد علوم به احتمال، عدم دستیابشان به آگاهی قطعی و یقینی بوده است؛ یعنی، ناممید شدن علوم از رسیدن به قطعیت، عامل اقبال به احتمال بوده و هست. همانطور که گفته شد، نظریه احتمال را از دو جنبه می‌توان بررسی کرد: جنبه ریاضی و جنبه فلسفی. احتمال از جنبه ریاضی، مطالعه رویاندهای احتمالی به لحاظ کتی است؛ به عبارت دیگر، نظریه احتمال شاخه‌ای از علم ریاضیات است که به تحلیل وقایع تصادفی می‌پردازد. ولی فلسفه احتمال، علمی است که موضوعات اصلی آن عبارتند از: اصول و مبانی احتمال، ماهیت احتمال، شیوه‌ها و ابزارهای احتمال و ارزیابی ساختارهای ریاضی و شناختی احتمال. فلاسفه از آن روی به احتمال نظر دارند که با مفاهیمی مانند علیت، موجبیت و تصادف ارتباط دارد. برای فلاسفه علم نیز تبیین احتمال بدین دلیل اهمیت دارد که ابداً روش های علمی به خصوص شیوه تأیید و تقویت و یا تضعیف گزاره های علمی توسط مشاهدات تجربی با دراشت شخصی، مستلزم تبیین مناسب مفهوم احتمال است. در فلسفه و ادبیات سروکار ما با احتمال‌های فیزیکی و منطقی نیست؛ بلکه با احتمال ذهنی که به احتمال روانشناسی هم مشهور است و روبرو هستیم. زیرا احتمال ذهنی به تمایلی و گرایش‌های فردی مرتبط است؛ یعنی هر فرد دلایل را احتمال می‌داند که خود بدان گرایش روانی و ذهنی دارد. به عنوان مثال، اگر هوشناسی اعلام کند که احتمال بارش در دو روز آینده پنجاه پنجاه است کسی که کشاورز است به احتمال بارش بیشتر باور دارد تا کسی که ساختمان نیمه ساخته‌ای دارد و ممکن است بارش کار او را متوقف کند. بنابراین توجه داشت که باور به احتمال همیشه بدین معنی نیست که نظام هستی بر تصادف و بی‌نظمی مطلق استوار است؛ چرا که در آن صورت ما هرگز نمی‌توانستیم آینده را حدس بزنیم یا احتمال امکان یک احتمال را بیشتر از یک احتمال دیگر بدانیم. اما چرا احتمال؟ زیرا اگر بخواهیم جهان را با قطعیت و رویکرد تعیین‌گرایانه بشناسیم در زنجیرهای از علت‌های پایان‌ناپذیر گرفتار می‌شویم که همچون کلاف سردرگمی ما را احاطه خواهند کرد. پس تعیین‌گرایی برای تبیین وقایع و رخدادها کارساز نیست و در عمل شکست خورده است. فرض کنید در بی‌عری یک خودروی سواری از چراغ قرمز، تصادفی به وجود آمده و راننده خودرو و دو نفر سرنشینان دیگر آن فوت کرده‌اند. برای ساخت نمونه ساده این حادثه نمی‌توانیم تعیین‌گراییه برخورد کنیم و بگوییم تقدیر این بوده، بلکه می‌توانیم دو احتمال زیر را در نظر بگیریم (الف) چراغ قرمز خراب بوده است (ب) راننده خودروی سواری چراغ قرمز را ندیده است. اما بلافاصله بعد از این دو احتمال کلی، ده‌ها احتمال و گزارش‌هایی با احتمال ذاتی پیش کشیده می‌شود؛ آیا راننده خواب آلود بوده؟ آیا ترمز خودرو



روزنامه همدلی

مگر نسیم سحر بوی یار من دارد
که راحت دل امیدوار من دارد
به پای سرو درافتاده‌اند لاله و گل
مگر شمایل قد نگار من دارد
نشان راه سلامت ز من میرس که عشق
زمام خاطر بی‌اختیار من دارد
گلا و تازه بهارا تویی که عارض تو
طراوت گل و بوی بهار من دارد
دگر سر من و بالین عافیت هیهات
بدین هوس که سر خاکسار من دارد

مجازستان

پارچه‌ی پالتویی گرفته بودم خیلی زیبا و واقعا گرون، سه متر و نیم، دادم خیاط که برام یک پالتوی اورسایز و حسابی گل و گمشاد بدوزه. پالتو رو که تحویل داد سایز معمولی داشت و اصلا اورسایز نبود! حتی آستیناش به زور به مچم می‌رسید! بعد چند وقت دیدمش به تک تنش بود از پارچه پالتویی من. (NAHID)
شیرین ترین انتظار واسه وقتی بود که اس ام اس رو سندن میکردیم منتظر می‌شدیم پیام دلبریوش بیاد، بعدشم خودمونو میداشتم جای طرف درحال خوندنش. (پوربزرگ)
به بی‌پولی عادت داشتم میشه، ولی به بدهارکی نه، که شکر خدا به قول کیارستمی آدم به بی‌اروایی عادت می‌کنه. (Mahraz)
تصمن با سرعت هرچه تمامتر بشر را به سمت مصرف گرابی سوق می‌دهد، حتی مصرف یکدیگر در روابط کاملا سطحی و زود گذر. آدم‌ها به یکدیگر نزدیک و در عین حال از هم دورند، و بدترین دور افتادن، از خویش است. (جیم)

کتاب

شکارچی سیارک‌ها دوباره برمی‌خیزد!
ناسا اعلام کرده که فضاپیما «اسیریس-۱» پس از آوردن نمونه‌های سیارک «بنو» به زمین، اکنون برای نمونه‌برداری از یک سیارک دیگر آماده می‌شود. به نظر می‌رسد فضاپیما «اسیریس-۱» ناسا دوباره کار کردن را آغاز کرده است. به نقل از اسپیس، فضاپیما اسپیریس-۱ پس از دسامبر گذشته یک وقفه را به مدت دو ماه تجربه کرد، ۴۰۲ میلیون کیلومتر بیشتر از حد انتظار به خورشید نزدیک شد و در مسیر خود برای برخورد با سنگ فضایی موسوم به «آپوفیس» (Apophis) حرکت کرد. اسپیریس-۱ پس از دسامبر ۲۰۲۳، اطلاعات محدودی را در مورد وضعیت فضاپیما داشتند زیرا فضاپیما برای حفظ ایمنی خود یکپارده شده بود. داده‌های اولیه نشان می‌دهند که فضاپیما طبق پیش‌بینی عمل کرده است اما چند ماه طول می‌کشد تا گروه مأموریت، یک ارزیابی کامل را روی عملکرد فضاپیما انجام دهد. به دنبال حضيض دوم ژانویه، مدار فضاپیما به آرامی آن را از خورشید دور کرد. در اوایل ماه جاری میلادی، فضاپیما به فاصله ۶ میلیون کیلومتری رسید. این فاصله به اندازه‌ای دور بود که خورشید نتواند تجهیزات فضاپیما را بسوزاند. سپس فضاپیما، پتل خورشیدی خود را در محل اصلی جایگزین کرد تا بار دیگر انرژی تولید کند. نکته ناشناخته مهم در حال حاضر این است که آیا گرمای شدید خورشید به بخشی از سطح یا اجزای فضاپیما آسیب رسانده و آیا ممکن است بعدا عملکرد آن را مختل کند. «دنی مندوزا دلاجوستینا» پژوهشگر ارشد این مأموریت در آن زمان گفت: پیوسته‌سازی‌های رایانه‌ای انجام‌شده در آماده‌سازی فضاپیما برای این حضيض نشان می‌دهند که پتل خورشیدی تنظیم‌شده، کاوشگر را در برابر گرم زمان بیش از اندازه محافظت می‌کند اما هر زمان که قطعه‌ای از سخت‌افزار پرواز فضایی را فراتر از معیارهای طراحی بردارید، متحمل خطر می‌شوید. فضاپیما اسپیریس-۱ پس از اصل برای نمونه‌برداری از یک سیارک جذاب به نام «بنو» (Bennu) و آوردن نمونه‌ها به زمین طراحی شده بود. این مأموریت که «اسیریس-رکس» (OSIRIS-Rex) نام داشت، اولین مأموریت موفق آمریکا برای آوردن نمونه از یک سیارک بود. پس از آنکه مأموریت موفق شد نمونه‌ها را دو برابر مقدار مورد انتظار تحویل دهد، به یک موفقیت بزرگ دست یافت. مأموریت اسپیریس-رکس پس از تکمیل مأموریت هفت ساله خود، اسپیریس-۱ پس نام گرفت تا به نمونه‌برداری از سیارک آپوفیس بپردازد. از آنجا که فضاپیما پس از رویارویی با بنو، سوخت کافی را برای یک مأموریت بلندمدت داشت، ناسا تصمیم گرفت آن را به سوی سیارک آپوفیس بفرستد. آپوفیس یک سیارک به پهنای «ساختمان امپایر استیت» (Empire State Building) است که تصور می‌شود از زمان تولد منظومه شمسی در ۴۶ میلیارد سال پیش باقی مانده باشد. انتظار می‌رود فضاپیما اسپیریس-۱ پس در آوریل ۲۰۲۹ به هدف خود یعنی آپوفیس برسد. اگرچه آپوفیس به عنوان یک سیارک بالقوه خطرناک نزدیک زمین طبقه‌بندی می‌شود اما ناسا هر گونه تهدید را از سوی این سنگ فضایی برای حداقل یک قرن رد کرده است.